

بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و هویت محله‌ای در شهر تهران

(مورد مطالعه: محله‌های حصارک، وحیدیه و ولنجک)

صمد محمدی‌زاده سماکوش^۱

حبیب صبوری خسروشاهی^۲

مهناز رونقی نوتاش^۳

تاریخ وصول: ۹۷/۰۵/۰۲

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۹/۲۰

چکیده

این مقاله با هدف مطالعه رابطه بین سرمایه اجتماعی و هویت محله‌ای در شهر تهران انجام شد. چارچوب نظری این تحقیق بر اساس آرای ایمری و همکاران، چپمن، لوفور، جیکوز، هاروی، هال، جنکینز، پاتنام و دیگران تنظیم و پیرو آن مدل نظری ترسیم گردید. روش تحقیق، پیمایش و ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه ساخت‌یافته بود. جامعه آماری محله‌های حصارک، وحیدیه و ولنجک با جمعیتی معادل ۵۶۰۶۰ نفر در سال ۱۳۹۰ است. نمونه‌گیری با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۲ نفر برآورد شد. برای پوشش پاسخ‌های غیرمعتبر ۴۲۸ پرسشنامه توزیع گردید. داده‌های گردآوری شده در قالب آمار توصیفی، استنباطی و تحلیل مسیر تحلیل شدند. سرمایه اجتماعی رابطه معناداری با هویت محله‌ای در سطح اطمینان ۹۵ درصد داشت. میانگین هویت محله‌ای در بازه ۱۱ تا ۵۵ در حصارک برابر ۳۳/۸، ولنجک ۳۳/۱۴ و وحیدیه ۳۱/۳۲ بود. میانگین سرمایه اجتماعی نیز در بازه ۱۳ تا ۶۵ در حصارک معادل ۳۹/۶، ولنجک ۲۴/۶ و وحیدیه ۳۵/۲ بود. هویت محله‌ای و سرمایه اجتماعی با ضریب پیرسون ۰/۵۰۴ در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معنادار با شدت بالایی داشتند. تحلیل رگرسیون چندمتغیره نشان داد، ۴۴/۸ درصد تغییرات هویت محله‌ای توسط متغیرهای درون مدل تبیین شدند، از میان ابعاد سه‌گانه سرمایه اجتماعی ۰/۶۶۱ تغییرات هویت محله‌ای تحت تاثیر انسجام اجتماعی تبیین می‌گردد.

واژگان کلیدی: هویت محله‌ای، سرمایه اجتماعی، انسجام اجتماعی، همکاری، اعتماد اجتماعی.

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

habibsabouri@hotmail.com

۳- عضو هیئت علمی گروه ارتباطات اجتماعی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

موضوع هویت متضمن این معناست که "ما که هستیم"، "از کجا آمده‌ایم"، "با چه عناصری شناخته می‌شویم" و "دیگران ما را با چه مولفه‌هایی می‌شناسند". از طریق هویت ما تشخیص می‌یابیم، متمایز می‌شویم و خود را وابسته و تابع یک فرهنگ، تاریخ، سرزمین، دین، زبان و ملت و مکان می‌نمایانیم. بدون تشخیص هویت بسیاری از کنش‌های روزمره زندگی اجتماعی مانند اعتماد، معاشرت، مبادلات و تعاملات به بن بست کشیده خواهد شد. هویت مکانی و سرزمینی یکی از ابعاد مهم هویت است که افراد به واسطه آن در صدد شناساندن و بازنمایی خویش و تامین اعتبار نزد دیگران هستند. اگرچه به نقل از گیدنز در جهان مدرن، انسان‌ها از مکان‌هایشان کنده شده‌اند، اما کماکان افراد به واسطه ملیت، سرزمین و مکان زندگی، سعی در بازنمایی هویت خویش داشته و آن را دستمایه مباحثات، اعتبار و اعتماد می‌سازند. محله یکی از واحدهای سرزمینی در مقیاس خرد است که هویت افراد و گروه‌های اجتماعی در گرو آن است. به عبارتی هویت انسان‌ها از منظر مکان و در یک مقیاس خرد به هویت محله زندگی آن‌ها وابسته است. مدت‌هاست که تصدیق شده محله‌های مسکونی مختلف، هویت‌های اجتماعی متفاوتی را به دست می‌دهند (Robertson, Smyth and McIntosh, 2008: 2). لینچ محلات را به عنوان مناطق وسیعی که به دلیل برخورداری از برخی خصوصیات مشترک و خاص قابل شناسایی‌اند، تعریف می‌کند؛ به طوری که فرد به طور ذهنی ورود به آن را حس می‌کند (چپمن، ۱۳۹۴: ۱۹۰). امروزه هویت محله در شهر تهران با سردرگمی و چالش جدی مواجه است. بسیاری از مردم خودشان را با محله‌هایشان نمی‌شناسند و ساختمان ذهنی شهروندان از عناصر تشکیل‌دهنده هویت محله‌ای دور افتاده و بیگانه شده است. هویت محله در شهر تهران طی دهه‌های اخیر، تحت تأثیر توسعه شهری، تحول سبک زندگی، علائق و مطالبات به شدت در حال تغییر شهروندان، تامین خشنودی‌های شخصی، فردگرایی، سرمایه‌های شدن شهر، رشد عمودی، سنگینی تراکم ساختمانی و تراکم بالای جمعیتی شهر، غلبه ماشین بر خیابان و فقدان فضاهای عمومی کارآمد، برای کنش‌های متقابل اجتماعی، افت شدید مناسبات همسایگی و کثیری از عوامل دیگر دچار تغییرات بنیادین گردیده است. در پی استحاله هویت واحد اجتماعی "محله"، فرایند جامعه‌پذیری یکی از پایه‌ای‌ترین گروه‌های اجتماعی - گروه دوستان، همالان و بچه‌محله‌ها - که در کوچه و خیابان به بازی، تمرین کار گروهی، مشارکت، فراگرفتن نقش‌های متعدد از پشتیبانی کردن تا حمایت شدن مشغول بودند، دچار اختلال شده است. به عبارتی، با این تغییرات جدید که در سازمان فضایی و اجتماعی محله‌های شهری رخ داد، مناسبات همسایگی کم‌رنگ شده و ای بسا در بسیاری از محلات به بوته فراموشی سپرده شده است. گروه اجتماعی "همالان" که بر اساس نظریه هربرت بلومر پس از والدین و دیگری مهم، سومین واسطه یا آژانس اجتماعی شدن است (تنهایی، ۱۳۹۱: ۵۸۳)، حداقل در بسیاری از محلات شهر بی‌رمق و مضمحل شده و در وضعیت سردرگمی یا تعلیق به سر می‌برد. با نگاه عمیق جامعه‌شناختی به تجربه زندگی در تهران در واقع این تصور در اذهان متبادر می‌شود

که مفهوم اجتماعی محله به صورت تدریجی در دست فراموشی است و اگر از آن نامی باقی مانده، صرفاً یک مفهوم جغرافیایی و فیزیکی، و تقسیمات شهری است، و مفهوم اجتماعی آن رنگ باخته است. در حالی که ایده برنامه‌ریزی برای محله‌ها به خاطر تاکید شدید بر فضای فیزیکی مورد انتقاد قرار گرفت و اعتقاد بر این است که امکان ایجاد جوامع از طریق سازمان جدید فضایی با عنوان جبرگرایی فیزیکی محسوب می‌شود (Madanipour, 2001: 175).

تنزل حس هویت محله‌ای در بافت‌های جدید شهر تهران، سبب انزوا، بی‌تفاوتی نسبت به همسایگان و تنزیل سرمایه اجتماعی شده و همچنین شرایط را برای بروز رفتارهای ضداجتماعی، رواج جرم، بروز بی‌بند و باری و نفوذ معتادین در محلات مسکونی تسهیل نموده است. ایمری و همکاران در لندن نشان داده‌اند، همبستگی آماری بالایی میان سطح کلی رضایت ساکنان و احساس ایمنی آن‌ها در مکان‌های مشترک وجود دارد. بی‌شک اضمحلال تدریجی شبکه اجتماعی دوستان در واحدهای همسایگی و ضعف بنیادهای هویت محله‌ای، تاثیر سازوکارهای غیررسمی در صیانت از هنجارهای اجتماعی، حسن اخلاق، رأفت، رعایت ادب، نزاکت، رفتار مناسب، احترام به بزرگان و ریش‌سفیدها و رعایت ارزش‌های والای انسانی را ابتدا در محلات و نهایتاً در کل جامعه به تحلیل می‌برد.

زیگموند باومن درباره انشقاق انسان‌ها از محیط زندگی‌شان در جوامع مدرن به نقل از گومپرت و دروگر می‌گوید؛ اکنون در بسیاری از نقاط جهان، هدف از وجود خانه‌ها حفاظت از ساکنان آن است نه ادغام مردم در اجتماعاتشان (باومن، ۱۳۸۴: ۴-۱۵۳). مارگارت تاچر در دهه ۱۹۸۰ در باب کاهش سرمایه اجتماعی در انگلستان اظهار داشت؛ چیزی به نام اجتماع وجود ندارد، فقط افراد و خانواده‌ها وجود دارند (حاتمی‌نژاد و فرجی ملائی، ۱۳۹۲: ۲۲). دورکیم نیز ارتباط با دیگران را مورد ستایش قرار می‌دهد و معتقد است، شخصیت انسان یک چیز مقدس است. نه باید به آن تجاوز کرد نه باید مرزهایش را مورد تعرض قرار داد. در عین حال بهترین کار ارتباط با دیگران است (گافمن، ۱۳۹۵: ۸۰) و نهایتاً تی‌هال از تقویت قاطعانه و نیاز مداوم انسان را به واسطه تعلق به یک گروه اجتماعی وابسته به محله، جایی که او سرشناس است، مکانی که برای خود دارد و بالاخره جایی که نسبت به آن احساس مسئولیت می‌کند، سخن می‌گوید (هال، ۱۳۹۳: ۲۰۷). آن چه که امروزه تهران در حال تجربه آن است، دست و پنجه نرم کردن با ساختی از واقعیت اجتماعی است که شهروندان آن، شهر را در خانه خود خلاصه می‌کنند و معاشرت با همسایه‌گان و تجمع و مراودات اجتماعی در محله‌ها سیر قهقرایی را می‌پیماید. بحث بر سر این است بخش مهمی از خاطرات و ثبت زندگی‌نامه در زندگی هر شخصی مربوط به دوران کودکی است که در مکان‌های عمومی؛ کوچه و خیابان در حین بازی و جوشش گروهی شکل می‌گیرد. علی‌رغم این مهم در بسیاری از محلات تهران فضاهای عمومی به شدت تقلیل یافته، مردم از کوچه و خیابان جدا شدند و این امر منجر شده تا گروه اجتماعی "بچه‌های محله" در گیر و دار زندگی روزمره در تهران به بوته فراموشی سپرده شود. گیدنز به نقل از سی نت می‌نویسد؛ شهرها به جای آنکه مکان‌هایی برای

گردهمایی‌های عام باشند، به صورت شبکه‌ای از گذرگاه‌های عمومی درآمده‌اند (هال، ۱۳۹۳: ۲۳۹). از بین رفتن مرکزیت اجتماعی محلات و پاره‌پاره شدن روابط همسایگی و تبدیل کوچه و خیابان محله‌های تهران به پارکینگ اتومبیل‌ها که امروزه به وضوح شاهد آن هستیم تا اندازه زیادی محصول نظام سرمایه‌داری و سوداگری گروهی از سرمایه‌گذاران در امر ساختمان و تامین منافع و مطامع آن‌هاست که البته بی‌بند و باری مدیریت شهری نیز در این کار دخیل است.

بی تردید انسان، بسیاری از قواعد زندگی و آموزه‌های رفتاری، ارزش‌ها، هنجارها را در مرحله اول از خانه و پس از آن از محله و گروه دوستان می‌آموزد و از آنجا به جهان بزرگ‌تر گام می‌نهد. فرزندان امروز شهر تهران که فرایند اجتماعی شدن را در محله‌ها، کوچه‌ها و خیابان‌ها با بازی‌های کودکانه و جوش و خروش جمعی تجربه نمی‌کنند و در شرایطی که صبح‌گاهان به صورت بسته‌بندی شده در جعبه‌های متحرکی به نام "سرویس مدرسه" مسیر خانه به مدرسه و پس از تعطیلی، راه مدرسه تا خانه را با کمترین مکث و مجال بدون بازی و جنب و جوش طی می‌کنند، با فضای کوچه و محله خود مانوس نیستند و بالتبع ایام فراغت را در آپارتمان‌ها به بازی‌های رایانه‌ای، گشت و گذار در فضاهای مجازی و تماشای فیلم‌های حادثه‌ای و ماجراجویانه مشغول‌اند، محرومیت‌های اجتماعی زمانه‌ای را تجربه می‌کنند که از یک رابطه ناب، در یک فضای آزاد و خودجوش، بدون نظارت مستقیم نهادهای قدرت و فارغ از هر گونه ضوابط خشک و غیرمنعطف، بی‌بهره‌اند.

حیات اجتماعی محله‌های شهر تهران، به سبب دور شدن از فضای معاشرت، صمیمت، روابط چهره به چهره، کاهش همبستگی محله‌ای، فروپاشی سازمان زندگی سنتی، خلاء ناشی از حمایت‌های همسایگان و تنزیل سرمایه اجتماعی، در معرض تهدید فروپاشی سازمان اجتماعی قرار دارد. همان‌گونه که راب‌ایمری و همکارانش، با انعکاس مصاحبه یکی از ساکنان ساختمان تاپلوف در لندن از فروپاشی هنجارهای متداول سخن رانده‌اند و بی‌نزاکتی، بی‌مبالاتی در عرصه‌های عمومی، بروز رفتارهای ضداجتماعی، آشفتگی در هنجارها و افول سرمایه اجتماعی را در یکی از ساختمان‌های بلند شهر لندن نشان داده‌اند (ایمری و همکاران، ۱۳۹۰: ۲-۲۵۱)، در تهران نیز مبادله مواد مخدر در برخی از کوچه پس کوچه‌های شهر، اطراق معتادان و کارتن‌خواب‌ها در محله‌های مسکونی و بسیاری از رفتارهای نابهنجار و ضداخلاقی دیگر، نمونه‌هایی از حوادث نابهنجار است که بسیاری از زنان و کودکان را در خانه‌هایشان به حصر کشانده و عملکرد فضاهای عمومی محله‌های شهری را مخدوش ساخته است. بی‌هیچ شبهه همراه با جنبش نوشهرگرایی، که باندر آن را برای مقابله با مشکلاتی نظیر رشد بی‌رویه شهری، جرم، تنزیل کیفیت محیط زیست و پدیده بیگانگی که شهرهای ما را احاطه کرده‌اند، پیشنهاد می‌نماید و این شکل جدید شهری را شامل همسایگی‌هایی می‌داند که تنها گذرگاه‌هایی برای عبور عابران پیاده دارند و به این ترتیب زندگی به سبک عابران پیاده را به فضاهای عمومی یا اماکنی که برای گردهم‌آیی، تفریح و دسترسی عابران پیاده به تسهیلات تفریحی، مدنی و تسهیلات مربوط به خرده‌فروشی طراحی شده‌اند،

پیوند می‌زند (باندز، ۱۳۹۴: ۱۳۷)، احیاء و باززنده‌سازی محله‌های شهری و هویت محله‌ای در تهران یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است تا از این طریق مردم بتوانند در محله‌های تهران حضوری فعال‌تر داشته باشند، بیگانگی با شهر بدل به آشنایی و صمیمیت شود. خیابان صرفاً محل رفت و آمد خودرو و واسطه رسیدن از محل کار به خانه نباشد. قدر مسلم خیابان محل گردهم‌آیی دوستان همسایه و بچه‌های محله هم هست باید برای آن‌ها نیز جایی گذاشت. حس رفاقت، همیاری و به قول مردم کوچه و بازار درد و دل کردن‌ها در همسایگی‌ها بایستی دوباره احیاء شده و کمافی‌السابق کانونی برای رفع آلام و خستگی‌های روزمره و گریز از تنهایی مهیا گردد. جنب و جوش، بازی کودکان و سرزندگی محله‌های شهر قطعاً به عنوان یک ساخت فرهنگی مایه طراوت، شادابی و شکوفایی شهر تهران خواهد شد. هدف این تحقیق، بررسی تاثیر متغیر مستقل سرمایه اجتماعی بر هویت محله‌ای است و پژوهشگر در صدد است تا به این سوال پاسخ دهد که هویت محله‌ای در شهر تهران چه میزان تحت تاثیر ابعاد سه گانه این متغیر قرار دارد؟

جنکینز معتقد است هویت اجتماعی درک ما از این است که چه کسی هستیم، دیگران کیستند و از آن طرف، درک دیگران از خودشان و افراد دیگر چیست. هویت فردی، تفاوت‌ها و هویت جمعی، شباهت‌ها را بیان می‌کند (جنکینز، ۱۳۸۱: ۸-۷). هویت جمعی وجوه مشترک باورها، پنداشت‌ها و انتظارات افراد برای تولید و بازتولید روح جمعی است. زمان و مکان نیز منبعی برای ساخت هویت اجتماعی می‌باشد (همان، ۴۶). تاجفل هویت را احساس تعلق به گروه خودی و مجزا شدن از غیرخودی می‌داند (Tajfel, 1978: 63). چارلز تیلر می‌گوید: برای آنکه بدانیم کی هستیم، باید کم و بیش بدانیم که چگونه به صورتی که هستیم درآمده‌ایم و به کجا می‌رویم (گیدنز، ۱۳۹۴: ۸۴). شانتال موفه اعتقاد دارد که هر هویتی رابطه‌ای است و تصدیق تمایز پیش‌شرطی برای وجود هر هویتی است. هویت‌های جمعی به این نکته تاکید دارند که شکل‌گیری ما مستلزم وجود آن‌هاست (موفه، ۱۳۹۱: ۲۲). وی به نقل از فروید در کتاب "روان‌شناسی گروهی و تحلیل "گو" به غرایز لیبیدویی عشق از نگاه فروید اشاره می‌کند و با استناد به آن می‌نویسد، هدف امکان ایجاد هویت‌های قوی بین اعضای جامعه و پیوند دادن آن در یک هویت مشترک است. یک هویت جمعی، یک "ما"، محصول سرمایه لیبیدویی است؛ اما نکته این‌جاست که این هویت‌یابی متضمن وجود "آن‌ها"یی هم هست (همان، ۳۲).

پاموک نویسنده کتاب "استانبول: خاطرات و شهر" و برنده جایزه نوبل ادبی سال ۲۰۰۶؛ هویت خلاقانه خود را متأثر از شهر، خیابان و خانه خود می‌داند و تعلق خاطرش به استانبول ملهم از اندیشه‌ای که؛ سرنوشت شهر همانا سرنوشت انسان است، متصف می‌نماید (فاضلی، ۱۳۹۳: ۲-۵۰۱). دورکیم حس عدم تعلق و احساس ناتوانی سهمین شدن در احساسات جمعی با کسانی که در مجاورت آن‌ها قرار داریم را

بزرگ‌ترین آسیبی می‌داند که ما به عنوان یک موجود اجتماعی در درون خودمان احساس می‌کنیم و این احساس را بی‌هنجاری یا آنومی می‌نامد (باندز، ۱۳۹۴: ۸). هویت مکان بر اثر تجربه مستقیم محیط فیزیکی رشد می‌یابد. بنابراین، بازتابی از وجوه اجتماعی و فرهنگی مکان است. انسان و مکان رابطه‌ای دو سویه دارند، زیرا کنش و خواست انسانی معنی را به فضا مرتبط می‌سازد (Walmsley, 1990: 64) در قاسمی و نگینی، ۱۳۸۹: ۱۲۱). در عین حال هویت مکانی امری ثابت نیست. ماهیت پویایی همسایگی و هویت اجتماعی منحصرًا به اینکه چگونه چنین هویت اجتماعی - فرهنگی‌ای تغییر می‌کند و چگونه می‌تواند برای نسل‌ها باقی بماند، مربوط می‌شود (Robertson, Smyth and McIntosh, 2008: 2).

پیران تاریخت، مکانیت، جمع‌گرایی، احساس تعلق گروهی، قبیله‌ای و خانوادگی را ابعاد هویت شهری می‌خواند (پیران، ۱۳۸۴: ۷). هاروی شرط تخیل فضایی را رابطه میان فرد، محله و سرزمین دانسته و به قول مردم کوچه و بازار درک "بچه کجاست" می‌داند (هاروی، ۱۳۷۶: ۲-۴). چپمن، هویت محله را به ویژگی‌های توپوگرافیک، دوره‌های تاریخی توسعه، نوع و مصالح ساختمان، یا ترکیبی از این‌ها پیوند می‌زند (چپمن، ۱۳۹۴: ۱۹۱). باندز سبک زندگی، شکل و محل سکونت را بازتاب‌دهنده ابراز هویت می‌پندارد (باندز، ۱۳۹۴: ۳۹۱).

هانیفان سرمایه اجتماعی را به زندگی روزانه مردم حاوی معاشرت، هم‌فکری، هم‌دردی و دادوستدهای اجتماعی پیوند می‌زند (براتی و یزدان‌پناه، ۱۳۹۰: ۲۸). کلمن سرمایه اجتماعی را مبتنی بر سه بعد همکاری، اعتماد و ارزش‌های مشترک می‌داند (فیلد، ۱۳۹۲: ۱۹۳) سرمایه اجتماعی با "شبکه اجتماعی" و "هنجارهای متقابل" مربوط به آن‌ها مشخص می‌شود و خطوط سرمایه اجتماعی، سلامت دموکراسی‌های ما و اجتماعات ما و خودمان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Putnam, 2002: 6-8 in Abell, 2010: 49). پاتنام ضمن تقسیم‌بندی سرمایه اجتماعی به سه بعد شبکه اجتماعی، اعتماد و همیاری، روابط اجتماعی افراد و تعاملات آنان با یکدیگر را بنیادی‌ترین جزء سرمایه اجتماعی معرفی می‌کند و شبکه را به عنوان خاستگاه دو مؤلفه دیگر سرمایه اجتماعی یعنی هنجارهای اعتماد و همیاری مطرح می‌کند (Putnam & Gaus, 2001: 6 در توسلی و موسوی، ۱۳۸۴: ۱۵). از نگاه وی شبکه اجتماعی افقی ماهیت مشارکت جویانه و دموکراتیک است و به انسجام اجتماعی می‌انجامد. پاتنام نوع خاصی از همیاری را مولد سرمایه اجتماعی می‌داند و می‌نویسد: ملاک سرمایه اجتماعی اصیل همیاری تعمیم‌یافته است. من اکنون این کار را برای شما انجام می‌دهم بی‌آنکه چیزی فوراً در مقابل انتظار داشته باشم، و حتی بی آن‌که شما را بشناسم با این اطمینان که در طول راه، شما یا دیگری لطف مرا پاسخ می‌دهید (Putnam, 2000: 134) در

توسلی و موسوی، ۱۳۸۴: ۱۵). وی در عین حال از سرمایه اجتماعی محدود سخن می‌گوید که موجب همبستگی در میان اعضای گروه می‌شود و حمایت‌های اجتماعی- روانی مهمی را به دنبال داشته، وفاداری قوی درون‌گروهی را دامن می‌زند. سرمایه اجتماعی خصوصاً سرمایه اجتماعی در شکل جمعی آن- هنجارهای همپاری و اعتماد- می‌تواند افراد جامعه را در حل مشکل کنش جمعی یاری رساند (همان، ۹-۱۷) و به تبع به انسجام اجتماعی منجر می‌شود.

اعتماد، به عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی از نظر پاتنام است که از عناصر ضروری برای تقویت همکاری بوده و حاصل پیش‌بینی‌پذیری رفتار دیگران است که در یک جامعه کوچک از طریق آشنایی دیگران حاصل می‌شود؛ اما در جوامع بزرگ‌تر و پیچیده‌تر یک اعتماد غیرشخصی‌تر یا شکل غیرمستقیمی از اعتماد ضرورت دارد (توسلی و موسوی، ۱۳۸۴: ۱۶). هر چه گروه کوچک‌تر باشد، بیش‌تر می‌تواند به هدف جمعی دست یابد. از این رو به فرض ثابت بودن سایر عوامل محلات کوچک‌تر بسیار بیشتر مشارکت می‌کنند تا گروه‌های بزرگ (هاروی، ۱۳۷۶: ۹۰-۸۹). علی‌ای حال مقیاس سرمایه اجتماعی در تبادل اطلاعات از گروه‌های کوچک تا تمامی یک ملت است (فوکویاما، ۱۳۸۶: ۱۳).

از نگاه بانگ جهانی، سرمایه اجتماعی به نهادها، روابط و هنجارهایی اشاره دارد که کمیت و کیفیت تعاملات اجتماعی یک جامعه را شکل می‌دهد. سرمایه اجتماعی صرفاً مجموعه‌ای از نهادهای یک جامعه نیست، بلکه چسبی است که این نهادها را به یکدیگر پیوند می‌دهد (براتی و یزدان‌پناه، ۱۳۹۰: ۲۹). اونیکس^۱ و بولن^۲ سرمایه اجتماعی را عبارت از مشارکت در اجتماع محلی، فعالیت در متن اجتماع، احساس اعتماد و امنیت، ارتباطات اجتماعی، مراودات و رابطه با دوستان و فامیل، مدارا کردن با تنوع، ارزش زندگی، روابط و پیوند کاری می‌داند (همان، ۳۳).

سرمایه اجتماعی به ویژه در مقیاس کوچک و محله‌های شهری به شدت به مطلوبیت فضاهای عمومی و ظرفیت تعاملات اجتماعی فضا وابسته است. پاتنام در کتاب بولینگ تک‌نفره پیاده‌روی را به عنوان ابزار تشویق تبادل اجتماعی دانسته و دسترسی به فضاهای عمومی را سبب ترغیب برخوردهای دوستانه‌تر با دوستان و همسایه‌ها می‌داند (ایمری و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۰۸). وی زوال اجتماعات شهری و کاهش مشارکت مردم در شهر را باعث کاهش سرمایه‌های اجتماعی می‌داند و معتقد است که برای حل این مشکل باید به احیای محله‌های شهری و گسترش مشارکت‌های مدنی مردم پرداخت (فاضلی، ۱۳۹۳: ۱۹۶). جیکوبز خیابان‌ها و فضاهای عمومی را فرصتی برای شکل‌گیری سرمایه اجتماعی قلمداد

1- Onix

2- Bullen

کرده است (جیکوبز، ۱۳۹۲: ۲۱۳). تالن و کاسچینسکی در سال ۲۰۱۳ در مقاله "محلات با قابلیت پیاده‌روی" درباره محلات با قابلیت پیاده‌روی به این نتیجه رسیدند، محلات قابل پیاده‌روی، قدم زدن و فعالیت فیزیکی، سلامت و ارزش مکان را افزایش می‌دهد که با اهداف اجتماعی و کنش متقابل پیوند می‌خورد (Talen and Koschinsky, 2013: 54).

هاروی در مقابل پویش‌های غیرانسانی بازار "تهاتر" را یک نیروی متعادل‌کننده در تحکیم روابط همسایگی معرفی می‌کند و اتومبیل را باعث محرومیت از تماس با دیگران تشخیص می‌دهد (هاروی، ۱۳۷۶: ۱۲۸ و ۲-۳۴۱). حال معتقد است، اتومبیل باعث جدایی بشر از محیط پیرامونش می‌شود و او را از تماس با دیگران نیز محروم می‌کند. اتومبیل‌ها تنها محدودترین نوع روابط متقابل را که معمولاً به صورت، رقابت، پرخاشگری و تخریب ظاهر می‌شود، باعث می‌گردد و اگر قرار باشد مردم دوباره به گرد هم جمع شوند و این شانس را پیدا کنند که با هم آشنا شده و با طبیعت ارتباط برقرار کنند، بایستی در جستجوی راه‌حل‌های اساسی و بنیادی برای مسائلی که برای ماشین مطرح شده، باشند (هال، ۱۳۹۳: ۱۰-۲۰۹). باندز مدعی است اتومبیل فرد را قادر ساخت تا بدون اینکه در محیط عمومی قدم بزند، خود را به فضاهای خصوصی پراکنده برساند. این اتفاق ما را محکوم می‌کند تا بیشتر زندگی خود را در فضای خصوصی یا نیمه‌خصوصی بگذرانیم. اندیشه "عقب راندن مردم از خیابان"، ترس از شهر و نوعی شهرستیزی را به بار می‌آورد (باندز، ۱۳۹۴: ۴-۱۶۳). ایمری و همکاران مجردها و زوج‌های جوان را عامل کاهش حس تعلق به مکان و مشارکت دانسته و افزایش سطح پیاده‌روی را سبب تعاملات اجتماعی و حس هم‌محل‌ای بودن می‌دانند (ایمری و همکاران، ۱۳۹۰: ۲-۲۸۱). بر اساس آرای مورد بررسی در چارچوب نظری تحقیق، ارتباط معناداری بین سرمایه اجتماعی و هویت محل‌های وجود دارد و این دو متغیر می‌توانند یکدیگر را تقویت کنند. متغیرهای مستقل و وابسته این تحقیق در چارچوب آرای تاجفل، جنکینز، هانیفان، فوکویاما، بوردیو، پاتنام، کلمن، هاروی، چپمن و جیکوبز در قالب فرضیات تحقیق آزمون شدند که شاخص‌ها و گویه‌های هر یک از این متغیرها در جدول‌های زیر آمده است:

جدول (۱): شاخص‌ها و گویه‌های متغیر هویت محل‌های

تا چه اندازه نسبت به همسایه‌های خود شناخت دارید؟	شناختن و شناخته شدن
تا چه اندازه همسایه‌هایتان، شما را می‌شناسند؟	
چه تعداد از اهالی کوچه یا خیابانی که در آن زندگی می‌کنید را می‌شناسید؟	
تا چه اندازه محله‌ای که در آن ساکن هستید را دوست دارید؟	تعلق گروهی/ مکانی/ تاریخی
تا چه اندازه مایل هستید که دیگران، شما را به عنوان یکی از اهالی محله زندگیتان بشناسند؟	
تا چه اندازه در محله‌تان خاطره دارید و نسبت به تغییرات محل زندگی‌تان حساس هستید؟	
تا چه اندازه با همسایگان و اهالی کوچه، خیابان خود احساس هم‌محل‌ای بودن دارید؟	عضویت در گروه
تا چه اندازه احساس می‌کنید که عضوی از محله‌تان هستید؟	
تا چه اندازه احساس می‌کنید بین خانواده شما و همسایه‌هایتان شباهت وجود دارد؟	شباهت درون‌گروهی
تا چه اندازه خود را عضو این محله و متفاوت از محله‌های مجاور می‌دانید؟	تفاوت میان‌گروهی

بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و هویت محله‌ای در شهر تهران (مورد مطالعه . . .

باورها/ ارزش‌ها/ پنداشته‌ها تا چه اندازه احساس می‌کنید کوچه، خیابان و محله‌ای که در آن زندگی می‌کنید متعلق به خودتان است؟

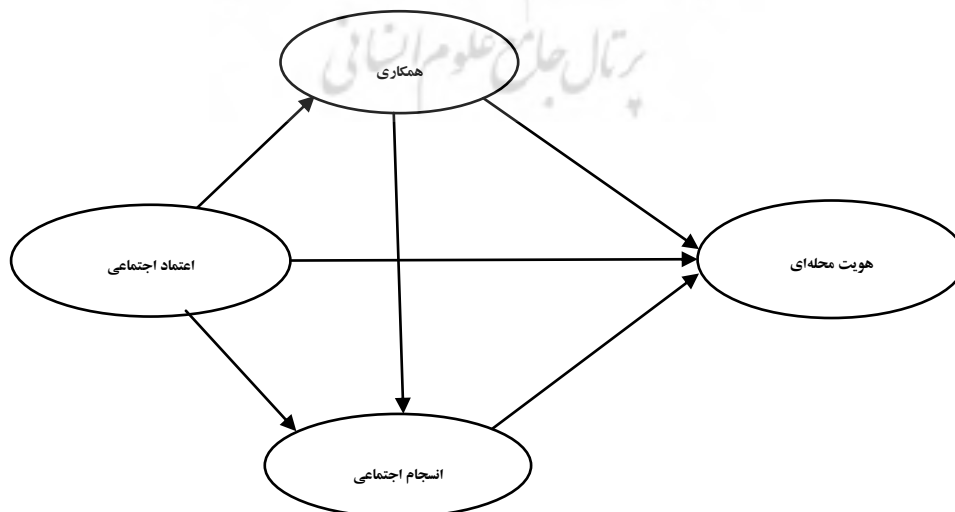
پس از آن که شاخص‌ها و گویه‌های متغیر وابسته تنظیم شد به ارائه شاخص‌ها و گویه‌های متغیر سرمایه اجتماعی به عنوان متغیر مستقل بشرح زیر اهتمام می‌ورزیم:

جدول (۲): شاخص‌ها و گویه‌های متغیر سرمایه اجتماعی

تا چه اندازه با همسایه‌گان خود سلام و احوالپرسی می‌کنید؟	
تا چه اندازه با همسایه‌ها و هم‌محله‌ای‌ها هم صحبتی و معاشرت دارید؟	معاشرت
تا چه اندازه با همسایه‌های خودتان رفت و آمد خانوادگی دارید؟	
تا چه اندازه اوقات فراغت خود را با همسایگان و اهالی محله‌تان همنشینی و معاشرت می‌کنید؟	
تا چه اندازه به صمیمی بودن با همسایه‌ها و معاشرت در محله‌تان علاقمند هستید؟	
تا چه اندازه برای بهبود وضعیت محله خود با همسایه‌ها و اهالی محل همکاری می‌کنید؟	همکاری و مشارکت
تا چه اندازه در مناسبت‌های مختلف مثل عیدها، جشن‌ها و مراسم عزاداری‌ها، سفر به اماکن متبرکه به دید و بازدید همسایه‌ها می‌روید؟	پایداری شبکه روابط اجتماعی
تا چه اندازه به همسایگان خود اطمینان دارید کلید خانه‌تان را به آن‌ها بدهید تا مواقع ضروری مراقب باشند؟	
تا چه اندازه نسبت به همسایگان خود اطمینان دارید تا فرزندان خود را برای بازی یا مراقبت در مواقع لازم به خانه آن‌ها بفرستید؟	اعتماد متقابل
در محله زندگی شما تا چه میزان کودکان در کوچه و خیابان بازی می‌کنند؟	
تا چه اندازه اجازه می‌دهید که فرزندان برای بازی با همسالان به کوچه و خیابان محله بروند؟	
تا چه اندازه در فضای عمومی و خیابان‌های محله‌تان دور هم جمع می‌شوید؟	گردهم آبی در فضاهای عمومی
تا چه اندازه همسایگان‌تان در مواقع ضروری درب خانه شما را می‌زنند یا شما به آن‌ها مراجعه می‌کنید؟	مبادله کالا به کالا (تهاتر)
تا چند اندازه خرید خود را پیاده در کوچه و خیابان محل سکونت خود انجام می‌دهید؟	پیاده‌روی در فضای عمومی
تا چه اندازه با همسایه‌های خود کارگروهی انجام می‌دهید؟ مثلاً قرض‌الحسنه دارید، ورزش دسته جمعی انجام می‌دهید و غیره.	عضویت در گروه

نهایتاً در این پژوهش با جمع‌بندی دیدگاه نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی، سنجه‌هایی چون انسجام اجتماعی با محوریت پیوندهای همسایگی، همکاری و همیاری در واحدهای همسایگی و نیز احساس اعتماد با تمرکز بر وجوهی از امنیت، میزان رابطه سرمایه اجتماعی و هویت محله‌ای در سه محله حصارک، ولنجک و وحیدیه مورد بررسی قرار گرفت. مدل زیر برآیند چارچوب نظری تحقیق است که سه بعد سرمایه اجتماعی؛ همکاری، انسجام اجتماعی و اعتماد اجتماعی را به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته است.

نمودار (۱): مدل مفهومی تبیین هویت محله‌ای توسط شاخص‌های سرمایه اجتماعی



بر اساس چارچوب نظری و مدل تحقیق، این پژوهش درصدد است تا این فرضیه کلی را آزمون کند: به نظر می‌رسد میزان سرمایه اجتماعی با هویت محله‌ای رابطه‌ای معنادار داشته باشد. در ادامه نیز فرضیه‌های زیر به عنوان فرضیه‌های جزئی مطرح می‌شوند:

۱- به نظر می‌رسد بین انسجام اجتماعی با هویت محله‌ای رابطه معناداری وجود داشته باشد.

۲- به نظر می‌رسد بین همکاری و مشارکت با هویت محله‌ای رابطه معناداری وجود داشته باشد.

۳- به نظر می‌رسد بین اعتماد اجتماعی با هویت محله‌ای رابطه معناداری وجود داشته باشد.

روش

روش تحقیق در این پژوهش، از نوع پیمایشی است و از پرسشنامه محقق‌ساخته جهت جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. پرسشنامه این تحقیق با استخراج شاخص‌های هر متغیر از چارچوب نظری و تبدیل آن‌ها به گویه‌های متناسب در طیف لیکرت تنظیم شد. به دلیل گسترده بودن جامعه آماری و بنا به گوناگونی و تنوع در هویت محله‌ای در شهر تهران، محقق ناگزیر از انتخاب نمونه مطالعاتی شده و محله‌های حصارک واقع در منطقه پنج با ویژگی‌های نسبتاً سنتی و روستایی، وحیدیه در منطقه هشت که با تراکم سنگین ساختمانی و جمعیتی و نیز غلبه ماشین بر عرصه عمومی دست به گریبان است و محله ولنجک در منطقه یک که درگیر تجربه سبک جدید زندگی بوده و در عین حال یک بافت جدید با ساختمان‌های بلندمرتبه است، را به عنوان محلات نمونه انتخاب نمود. در سال ۱۳۹۰، محله ولنجک دارای ۲۲۲۴۳ نفر جمعیت، محله وحیدیه ۲۸۶۱۹ نفر و محله حصارک ۴۶۹۸ نفر جمعیت و در مجموع، جمعیت محلات مورد مطالعه ۵۶۰۶۰ نفر بود. جامعه نمونه از طریق فرمول کوکران، ۳۸۲ نفر برآورد شد و برای پوشش دادن بی‌پاسخی‌ها، ۴۲۸ پرسشنامه توزیع شد. نمونه‌گیری به شیوه تصادفی ساده و طبقه‌بندی (روش PPS) انجام گرفت. اعتبار درونی گویه‌های مربوط به هر یک از متغیرهای هویت محله‌ای و سرمایه اجتماعی در جدول زیر آورده شده است:

جدول (۳): آزمون اعتبار محتوایی پرسشنامه

آلفای کرونباخ اولیه	آلفای کرونباخ نهایی
۰/۸۱۴	۰/۸۱۴
۰/۸۲۹	۰/۸۶۰

بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و هویت محله‌ای در شهر تهران (مورد مطالعه . . .

داده‌های این تحقیق پس از گردآوری، توسط نرم‌افزار آماری SPSS تحلیل شد که پس از توصیف متغیرها، از ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی روابط بین متغیرها و از تحلیل مسیر، برای آزمون برازندگی مدل تحقیق استفاده گردید.

یافته‌ها

الف) یافته‌های توصیفی؛ در این تحقیق برخی ویژگی‌های فردی پاسخگویان به تفکیک محله‌ها که جنبه کاربردی‌تری در این مطالعه داشته نظیر تعداد فرزندان و تعداد اتومبیل در هر خانواده به صورت جدول زیر مورد توصیف قرار گرفته است:

جدول (۴): پراکندگی پاسخ‌ها بر حسب تعداد فرزندان در خانواده

ولنجک	حصارک	وحیدیه	
۲۰/۴	۱۴/۷	۱۲/۳	بدون فرزند
۲۴/۹	۱۷/۶	۳۲/۷	یک
۳۲/۹	۵۲/۹	۳۶/۵	دو
۱۹/۷	۱۴/۷	۱۳/۷	سه
۲/۳	۰	۲/۸	چهار
۰	۰	۰	پنج
۰	۰	۰/۹	شش
۰	۰	۰/۹	هفت
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	کل

به استثنای ولنجک که خانواده‌های تک فرزندی غالب بود در حصارک و وحیدیه خانواده‌هایی که دو فرزند داشتند، بیشترین فراوانی را در پاسخ‌ها داشتند.

درباره تعداد اتومبیل ولنجکی‌ها بالاترین فراوانی را در طبقه دو اتومبیل داشتند و حصارکی‌ها و اهالی وحیدیه بیشترین تمرکزشان در پاسخ‌ها بر روی یک اتومبیل بود که در جدول شماره ۴ نشان داده شد.

جدول (۵): تعداد اتومبیل‌های شخصی هر خانواده به تفکیک محلات (درصد)

ولنجک	حصارک	وحیدیه	
۴/۵	۱۷/۶	۱۵/۹	صفر
۳۱/۱	۵۰	۵۷	یک
۴۴/۶	۱۱/۸	۱۷/۹	دو
۱۲/۴	۱۱/۸	۲/۶	سه
۷/۳	۸/۸	۶/۶	بیشتر از ۳
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	کل

اگرچه ابعاد و گویه‌های سرمایه اجتماعی از درون نظریه‌های سرمایه اجتماعی استخراج گردید، اما پژوهشگر در صدد برآمد تا از طریق تحلیل عاملی تاییدی گویه‌های مربوط به ابعاد سه‌گانه آن را از هم تمییز دهد.

جدول (۶): آزمون کیسرمایر و بارتلت سرمایه اجتماعی

ضریب کیسرمایر (KMO)	۰/۸۷۶
آزمون بارتلت	۱۸۷۰/۸۸۵
درجه آزادی	۷۸
سطح معناداری	۰/۰۰۰

ضریب کیسرمایر که برابر با ۰/۸۷۶ و بالاتر از میزان معیار (۰/۷) است و آزمون بارتلت که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار می‌باشد، قابلیت این متغیر برای تحلیل عاملی را نشان می‌دهد.

جدول (۷): شناسایی عوامل و ابعاد سرمایه اجتماعی

عامل سوم	عامل دوم	عامل اول	گویه
		۰/۷۲۱	۱ سلام و احوالپرسی با همسایه‌ها
		۰/۷۹۰	۲ هم‌صحبتی و معاشرت با همسایه‌ها
		۰/۶۳۲	۳ رفت و آمد خانوادگی با همسایه‌ها
۰/۶۲۳			۴ خرید یا باب پیاده در محله
		۰/۶۳۶	۵ گردهمایی در فضاهای عمومی و خیابان‌های محله
		۰/۶۶۰	۶ انجام کارهای گروهی با همسایه‌ها
		۰/۶۴۴	۷ دید و بازدید با همسایه‌ها در مناسبت‌های ملی و مذهبی
	۰/۵۳۶		۸ مراجعه به همسایه‌ها در مواقع ضروری
		۰/۴۵۸	۹ همکاری با همسایه‌ها برای بهبود محله
	۰/۸۰۵		۱۰ اطمینان به همسایه و سپردن کلید خانه برای مراقبت
		۰/۸۳۶	۱۱ اطمینان به همسایه و فرستادن فرزندان به خانه آنان
	۰/۸۲۹		۱۲ بازی کودکان در کوچه و خیابان
	۰/۵۶۶		۱۳ اجازه دادن به کودکان برای بازی در کوچه و خیابان

پس از تحلیل عاملی تأییدی، بارهای عاملی چرخش‌یافته، گویه‌های متغیر سرمایه اجتماعی را در سه مفهوم خلاصه نمود. انسجام اجتماعی، همکاری و اعتماد اجتماعی ابعاد سه‌گانه متغیر فوق تلقی گردیدند.

جدول (۸): ابعاد سرمایه اجتماعی

عامل‌ها	نام عامل
عامل اول	انسجام اجتماعی
عامل دوم	همکاری
عامل سوم	اعتماد اجتماعی

هویت محله‌ای، متغیر وابسته و سرمایه اجتماعی، متغیر مستقل این تحقیق می‌باشد که در جدول زیر پراکندگی پاسخ‌ها بر حسب هر یک از این متغیرها و ابعاد سه‌گانه متغیر مستقل ارائه گردید:

جدول (۹): پراکندگی پاسخ‌ها بر حسب متغیرهای مستقل و وابسته

متغیر وابسته	هویت محله‌ای	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	جمع
متغیر مستقل	سرمایه اجتماعی	۵/۱	۲۵/۲	۴۵/۲	۱۹/۴	۵/۱	۱۰۰
	انسجام	۲۲/۵	۴۳/۷	۲۳/۷	۸	۲/۱	۱۰۰
	همکاری	۳۳	۴۰/۳	۱۸	۸	۰/۷	۱۰۰
	اعتماد	۳۵/۹	۳۱/۹	۲۳/۲	۷/۳	۱/۶	۱۰۰
	اعتماد	۱۶	۳۵	۳۱/۷	۱۶/۲	۱/۲	۱۰۰

در متغیر هویت محله‌ای، تمرکز پاسخ‌ها در طبقه متوسط نشان می‌دهد که میزان هویت محله‌ای در میان پاسخگویان در حد متوسطی است. میانه نیز در همین طبقه از طیف قرار گرفته و پاسخ‌ها را به دو بخش تقسیم می‌کند. ۴۵/۲ درصد از پاسخگویان معتقد بودند که هویت محله‌ای در حد متوسطی است و ۳۰/۳ درصد نیز میزان این متغیر را در حد کم و خیلی کم ارزیابی کرده‌اند. در متغیر سرمایه اجتماعی، ۶۶/۲ درصد از پاسخگویان بر این باور بودند که سرمایه اجتماعی در محله زندگیشان کم و خیلی کم است و تنها ۱۰/۱ درصد از پاسخگویان میزان سرمایه اجتماعی را در سه محله مورد مطالعه، زیاد و خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند. میانگین میزان هویت محله‌ای در هر یک از محلات در بازه ۱۱ تا ۵۵ در جدول زیر آورده شده است:

جدول (۱۰): میانگین متغیر هویت محله‌ای به تفکیک محلات

میانگین	تعداد پاسخ‌های معتبر	
۳۲/۴۴۶۳	۴۲۸	کل محلات
۳۲/۱۴۲۹	۱۷۵	ولنجک
۳۵/۸۰۵۶	۳۶	حصارک
۳۱/۳۲۷۵	۲۱۷	وحیدیه

میانگین متغیر هویت محله‌ای در سه محله ولنجک، وحیدیه و حصارک دارای میزان‌های متفاوتی است که بالاترین میزان میانگین در هویت محله‌ای به محله حصارک و پایین‌ترین آن نیز به محله وحیدیه اختصاص پیدا کرده است. میانگین متغیر سرمایه اجتماعی در بازه ۱۳ تا ۶۵ به تفکیک محلات در جدول زیر آمده است:

جدول (۱۱): میانگین متغیر سرمایه اجتماعی به تفکیک محلات

میانگین	تعداد پاسخ‌های معتبر	
۲۸/۵۷۹۸	۴۲۶	کل محلات
۲۴/۶۶۲۹	۱۷۵	ولنجک
۳۹/۳۸۸۹	۳۶	حصارک
۳۵/۲۵	۲۱۵	وحیدیه

میانگین ابعاد سه‌گانه سرمایه اجتماعی نیز در سه محله مورد پژوهش تفاوت داشت. به این ترتیب که بالاترین میانگین سرمایه اجتماعی با نرخ ۳۹/۳۸ مربوط به محله حصارک و پایین‌ترین آن به میزان ۲۸/۵۷ به محله ولنجک اختصاص یافت.

(ب) یافته‌های استنباطی؛

فرضیه کلی: به نظر می‌رسد میزان سرمایه اجتماعی با هویت محله‌ای رابطه‌ای معنادار داشته باشد.

مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال پانزدهم، شماره پنجاه و هشتم، پاییز ۱۳۹۷

جدول (۱۲): آزمون فرضیه کلی تحقیق

سطح معناداری	ضریب پیرسون	تعداد پاسخگویان	سرمايه اجتماعي و هويت محله‌اي
۰/۰۰۰	۰/۵۸۴	۴۲۶	

هویت محله‌ای و سرمایه اجتماعی در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارای رابطه‌ای معنادار می‌باشند، این رابطه که مستقیم و دارای شدت بالایی است، بیانگر این نکته می‌باشد که افزایش سرمایه اجتماعی به افزایش هویت محله‌ای می‌انجامد و کاهش آن نیز موجب کاهش هویت محله‌ای می‌شود.

جدول (۱۳): آزمون رابطه سرمایه اجتماعی و هویت محله‌ای به تفکیک محلات

هویت محله‌ای و سرمایه اجتماعی	ولنجک	حصارک	وحیدیه	ضریب پیرسون	سطح معناداری
	۰/۴۲۷	۰/۷۳۶	۰/۷۰۳		
	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰		

هویت محله‌ای و سرمایه اجتماعی در سه محله مورد مطالعه در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معناداری با هم داشته‌اند. بالاترین میزان رابطه با ضریب پیرسون ۰/۷۳۶ مربوط به حصارک و پایین‌ترین آن با ضریب پیرسون ۰/۴۲۷ مختص محله ولنجک بوده است.

فرضیه‌های جزئی:

جدول (۱۴): آزمون رابطه هویت محله‌ای و ابعاد سرمایه اجتماعی

سطح معناداری	ضریب پیرسون	تعداد پاسخگویان	انسجام و هویت محله‌ای
۰/۰۰۰	۰/۶۶۱	۴۲۸	
۰/۰۰۰	۰/۴۴۸	۴۲۷	همکاری و هویت محله‌ای
۰/۰۰۰	۰/۱۷۶	۴۲۶	اعتماد و هویت محله‌ای

در محلات مورد مطالعه، هویت محله‌ای با هریک از ابعاد سه‌گانه سرمایه اجتماعی نیز در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معناداری داشته‌اند. در میان ابعاد سه‌گانه سرمایه اجتماعی، انسجام اجتماعی با ضریب پیرسون ۰/۶۶۱ بالاترین شدت رابطه و اعتماد اجتماعی با ضریب پیرسون ۰/۱۷۶ کم‌ترین شدت رابطه را با هویت محله‌ای داشته است.

بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و هویت محله‌ای در شهر تهران (مورد مطالعه . . .

جدول (۱۵): آزمون رابطه هویت محله‌ای و ابعاد سرمایه اجتماعی به تفکیک محلات

	ولنجک	حصارک	وحیدیه
هویت محله‌ای و انسجام اجتماعی	۰/۵۱۷	۰/۶۹۵	۰/۷۲۶
	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
هویت محله‌ای و همکاری	۰/۲۳۱	۰/۵۴۶	۰/۵۲۲
	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰
هویت محله‌ای و اعتماد اجتماعی	۰/۱۱۵	۰/۳۲۶	۰/۳۰۱
	۰/۱۳۰	۰/۰۵۳	۰/۰۰۰

همچنین در این پژوهش معناداری رابطه بین هویت محله‌ای و هر یک از ابعاد سه‌گانه سرمایه اجتماعی به تفکیک محلات مورد سنجش قرار گرفته است. بر این اساس در محله وحیدیه رابطه هویت محله‌ای و انسجام اجتماعی با ضریب پیرسون ۰/۷۲۶، و در محله حصارک روابط بین هویت محله‌ای و همکاری با ضریب پیرسون ۰/۵۴۶، هویت محله‌ای و اعتماد اجتماعی با ضریب پیرسون ۰/۳۶۹ بالاترین نرخ را در میان سه محله به خود اختصاص دادند. تمامی رابطه‌ها در محلات سه‌گانه به استثنای رابطه هویت محله‌ای و اعتماد اجتماعی در ولنجک، در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار بوده‌اند. با استفاده از تحلیل رگرسیون چندمتغیره، متغیرهای تبیین‌کننده هویت محله‌ای و میزان تبیین این متغیر توسط متغیرهای مستقل محاسبه شده است.

جدول (۱۶): برازندگی مدل تحقیق

R	ضریب تبیین	ضریب تبیین تعدیل شده
۰/۶۷۲	۰/۴۵۲	۰/۴۴۸

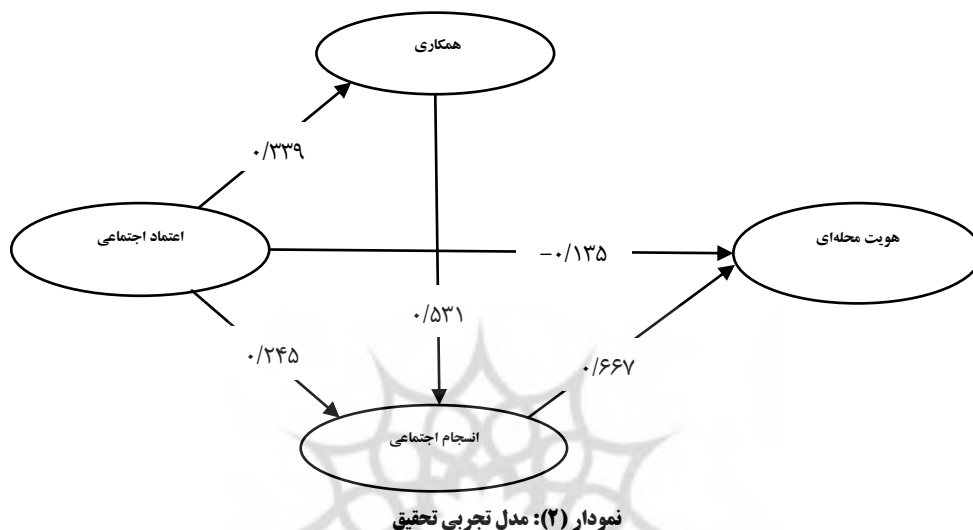
متغیرهای مستقلی که در مدل اولیه این تحقیق وجود داشتند، ۴۴/۸ درصد از تغییرات متغیر هویت محله‌ای در محلات سه‌گانه مورد پژوهش را تبیین کرده‌اند و سایر عوامل خارج از مدل قرار داشته است.

جدول (۱۷): متغیرهای مستقل تبیین‌کننده هویت محله‌ای

ضریب B	ضریب بتا	T	سطح معناداری
۱۹/۷۲۱	---	۲۰/۰۳۶	۰/۰۰۰
۰/۹۷۱	۰/۶۶۷	۱۳/۹۲۰	۰/۰۰۰
۰/۲۳۶	۰/۰۸۱	۱/۷۵۷	۰/۰۸۰
-۰/۳۸۹	-۰/۱۳۵	-۳/۳۵۴	۰/۰۰۱

در مدل نظری تحقیق انسجام اجتماعی و همکاری به عنوان متغیرهای واسطه پیش‌بینی شده‌اند، بنابراین در فرایند تحلیل مسیر تأثیرات غیرمستقیم اعتماد اجتماعی بر هویت محله‌ای از طریق همکاری

و انسجام اجتماعی و تأثیرات غیرمستقیم همکاری از طریق انسجام اجتماعی محاسبه شدند. همه این روابط در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار بودند و مدل پژوهش تأیید شد.



در جدول زیر کل تأثیرات هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر هویت محله‌ای آمده است:

جدول (۱۸): کل تأثیرات متغیرهای مستقل بر هویت محله‌ای

کل تأثیرات	تأثیرات غیرمستقیم	تأثیرات مستقیم
۰/۶۶۷	---	۰/۶۶۷
۰/۳۵۴	۰/۳۵۴	---
۰/۴۱۸	۰/۲۸۳	-۰/۱۳۵

بر اساس جدول فوق بیشترین تأثیر در تبیین هویت محله‌ای مربوط به انسجام اجتماعی و کمترین تأثیر نیز برای اعتماد اجتماعی بدست آمد.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج تحلیل‌های آمار استنباطی تحقیق در آزمون فرضیه نشان می‌دهد، در محله‌های حصارک، ولنجک و وحیدیه هویت محله‌ای و سرمایه اجتماعی در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارای رابطه‌ای معنادار می‌باشند، این رابطه که مستقیم و دارای شدت بالایی است، بیانگر این نکته می‌باشد که افزایش سرمایه

اجتماعی به افزایش هویت محله‌ای منجر شده و کاهش آن نیز سبب کاهش هویت محله‌ای گردید. معاشرت با همسایگان، گردهمایی در خیابان‌ها و فضای عمومی، تهاتر، همکاری و اعتماد به همسایگان برای مراقبت از فرزندان، بازی کودکان در کوچه و خیابان و اجازه دادن به کودکان برای بازی در کوچه و خیابان از گویه‌های محوری سنجش سرمایه اجتماعی بوده‌اند. یافته‌های تحقیق متضمن آن است که در این سه محله، سرمایه اجتماعی بر پایه همکاری، اعتماد و ارزش‌های مشترک که جمیز کلمن بر روی آن تاکید کرد، حضور مداوم مردم در خیابان‌ها و فضاهای عمومی برای شکل‌گیری سرمایه‌ی اجتماعی که چپمن، جیکوبز و پاتنام در آرای خود بر روی آن‌ها صحنه گذاشتند و "تهاتر" به عنوان یک نیروی متعادل‌کننده در تحکیم روابط همسایگی که هاروی از آن سخن به میان آورد، بر شکل‌گیری هویت که تا جفل آن را احساس تعلق به گروه خودی دانسته و جنکینز از آن به عنوان وجود اشتراکاتی در باورها، پنداشته‌ها و انتظارات افراد که روح گروهی را تولید و بازتولید می‌کند، اثرات جدی گذاشته است.

یافته‌های تحقیق در حصارک نشان می‌دهد که میانگین سرمایه اجتماعی با نرخ ۳۹/۳ در بازه ۱۳ تا ۶۵ بالاترین میزان در سه محله مورد مطالعه بوده و در عین حال میانگین هویت نیز با نرخ ۳۵/۸ در بازه ۱۱ تا ۵۵ بالاترین میزان را در محلات نمونه به خود اختصاص داده و بیش‌ترین شدت رابطه سرمایه اجتماعی و هویت محله‌ای با ضریب پیرسون ۰/۷۳۶ نسبت به دو محله دیگر را از آن خود ساخته است. از این رو نظریه پاتنام مبنی بر اینکه احیاء و ارتقای هویت محله‌ای تابعی از مشارکت و افزایش سرمایه اجتماعی است در محله‌های موضوع تحقیق مسجل گردید. پیاده‌روی در این محله نسبت به دو محله دیگر در بالا رفتن سرمایه اجتماعی این محل تاثیر مثبت داشته است که از این منظر نیز ایده پاتنام متضمن اینکه پیاده‌روی را به عنوان ابزار تشویق تبادل اجتماعی دانسته و دسترسی به فضاهای عمومی را سبب ترغیب برخوردهای دوستانه‌تر با دوستان و همسایه‌ها می‌داند، یافته‌های تالن و کاسچنسکی که محلات قابل پیاده‌روی، قدم زدن و فعالیت فیزیکی، سلامت و ارزش مکان را افزایش می‌دهد که با اهداف اجتماعی و کنش متقابل پیوند می‌خورد و نظریه ایمری و همکاران که پیاده‌روی را سبب تعاملات اجتماعی و حس هم‌محله‌ای بودن می‌دانند، پشتیبانی می‌شود. تهاتر یا بده بستان‌های همسایگی که در محله حصارک به سبب بافت روستایی و سنتی از رونق بیشتری نسبت به ولنجک و وحیدیه برخوردار است بر پایه نظریه هاروی که تهاتر را یک نیروی متعادل‌کننده در تحکیم روابط همسایگی معرفی می‌کند، یافته‌های تحقیق درباره افزایش سرمایه اجتماعی و شدت تاثیر آن بر هویت محله‌ای را مورد

تأیید قرار می‌دهد. البته نباید فراموش کرد که اتومبیل آن‌گونه که هاروی تشخیص می‌دهد باعث محرومیت از تماس با دیگران در این محلات گردیده و باعث کاهش سرمایه اجتماعی شده است. یکی از دلایل مهم پایین بودن میانگین سرمایه اجتماعی در ولنجک که رقم آن ۲۴/۶ در بازه ۱۳ تا ۶۵ محاسبه گردیده و همچنین پایین بودن نسبی میانگین هویت محله در آن با نرخ ۳۳/۱ در بازه ۱۱ تا ۵۵، بالا بودن سرانه اتومبیل در این محله است. در محله ولنجک ۶۴ درصد پاسخ‌گویان تعداد اتومبیل در خانواده را دو دستگاه و بیشتر اظهار داشته‌اند و در مقابل، در حصارک ۱۷/۶ درصد پاسخ‌دهندگان، خانواده خود را فاقد اتومبیل و ۵۰ درصد نیز سرانه اتومبیل در خانواده را صرفاً یک اتومبیل اعلام کرده‌اند. لذا بر پایه نظریه هاروی، بالا بودن سرانه اتومبیل در ولنجک و به تبع آن، میزان استفاده بالای آن در این محله و بالعکس، پایین بودن سرانه اتومبیل در حصارک می‌تواند سهمی را در افزایش سرمایه اجتماعی در حصارک و کاهش نسبی آن در ولنجک ایفاء نماید و از این زاویه باعث افزایش هویت محله‌ای در حصارک گردد. حال معتقد است اتومبیل باعث محرومیت تماس با دیگران شده و از این رو، گردهمایی مردم و شانس با هم آشنا شدن را مستلزم حل مسئله ماشین می‌داند. باندز نیز اعتقاد دارد اتومبیل فرد را قادر ساخته تا بدون اینکه در محیط عمومی قدم بزند، خود را به فضاهای خصوصی پراکنده برساند. این اتفاق ما را محکوم می‌کند تا بیشتر زندگی خود را در فضای خصوصی یا نیمه‌خصوصی بگذرانیم. لذا افزایش سرانه اتومبیل باعث کاهش سرمایه اجتماعی و به تبع آن کاهش شدت رابطه سرمایه اجتماعی و هویت محله‌ای در ولنجک شده و ضریب همبستگی پیرسون را به رقم ۰/۴۲۷، پایین‌ترین ضریب همبستگی در بین سه محله تقلیل داده است.

ایمیری و همکاران بر این باورند که ترکیبات سنی، شغلی و بچه‌دار بودن بر احساس صمیمی‌تر تعلقات مکانی و مشارکت اجتماعی موثر است. مجردها و زوج‌های جوان دارای شغل‌های تخصصی علاقه زیادی به استفاده از تسهیلات رفاهی و فضاهای همگانی نداشته و تشویق به مشارکت محله‌ای نمی‌شوند. لذا بچه‌دار بودن و افزایش فرزندان موجب افزایش سرمایه اجتماعی و هویت محله‌ای می‌شود. جدول مربوط به تعداد فرزندان به تفکیک محلات حاکی است که در حصارک ۶۷/۷ درصد پاسخ‌گویان تعداد فرزندان را بیش از دو فرزند اظهار داشته‌اند. این آمار در مقایسه با تعداد خانواده‌های بیش از دو فرزند در ولنجک که رقم آن معادل ۵۴/۹ است تفاوت در میزان سرمایه اجتماعی و همبستگی هویت محله‌ای و سرمایه اجتماعی را بین این دو محله و همچنین محله وحیدیه که ۱/۸ درصد پاسخ‌گویان تعداد بچه‌ها را ۶ تا هفت نفر اعلام داشته‌اند، تبیین می‌کند. در بین محلات بالاترین همبستگی میان

هویت محله‌ای و انسجام مربوط به وحیدیه بود. این امر با آرای پاتنام، ایمری و همکاران دائر بر حضور پیاده مردم در خیابان و مقارن است.

تحلیل مسیر نشان داده است که انسجام اجتماعی با تاثیر کل ۰/۶۶۷ و تاثیر پذیری از همکاری و اعتماد بالاترین میزان تبیین‌کنندگی را در بین سه بعد سرمایه اجتماعی بر روی هویت محله‌ای گذاشته است. این وضعیت نیز از نظریه پاتنام دائر بر اینکه سرمایه اجتماعی خصوصا سرمایه اجتماعی در شکل جمعی آن - هنجارهای همیاری و اعتماد- می‌تواند افراد جامعه را در حل مشکل کنش جمعی یاری رساند پشتیبانی شده و نقش انسجام اجتماعی را در تبیین هویت محله‌ای ارتقاء داده است.

منابع:

- ایمری، راب، لیز، لورتا و راکو، مایک. (۱۳۹۰). نوسازی شهر لندن؛ حکمرانی، پایداری و اجتماع محوری در یک شهر جهانی. ترجمه‌ی مجتبی رفیعیان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- باومن، زیگموند. (۱۳۸۴). عشق سیال در باب ناپایداری پیوندهای انسانی ترجمه‌ی عرفان ثابتی، تهران: انتشارات ققنوس.
- باندز، مایکل. (۱۳۹۴). نظریه اجتماعی شهر (شهر، خود و جامعه). ترجمه‌ی رحمت‌اله صدیق سروستانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- براتی، ناصر و یزدان پناه شاه‌آبادی. (۱۳۹۰). بررسی ارتباط مفهومی سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در محیط شهری. فصلنامه جامعه‌پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۰، صص ۴۹-۲۵.
- پیران، پرویز. (۱۳۸۴). هویت شهرها؛ غوغای بسیار برای مفهومی پیچیده. تهران. مجله آبادی. شماره ۴۸. پاییز ۱۳۸۴. صص ۹-۸.
- تنهایی، حسین. ابوالحسن. (۱۳۹۱). بازشناسی تحلیلی نظریه‌های جامعه‌شناسی؛ مدرنیته درگذار. تهران: نشر علمی.
- توسلی، غلامعباس و مرضیه موسوی. (۱۳۹۴). مفهوم سرمایه در نظریه‌های کلاسیک و مدرن با تاکید بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی. فصلنامه علوم اجتماعی. سال هفتم، شماره ۲۶، صص ۳۲-۱.
- جنکینز، ریچارد. (۱۳۸۱). هویت اجتماعی. ترجمه‌ی تورج یاراحمدی، تهران: نشر پژوهش شیرازه
- جیکوبز، جین. (۱۳۹۲). مرگ و زندگی شهرهای بزرگ امریکا. ترجمه‌ی حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- چپمن، دیوید. (۱۳۹۴). آفرینش محلات و مکان‌ها در محیط انسان‌ساخت. ترجمه‌ی شهرزاد فریادی و منوچهر طیبیان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- حاتمی نژاد، حسین و فرجی ملانی، امین. (۱۳۹۲). نتولیبالیسم و تأثیر آن بر فضای شهری (مطالعه موردی شهرهای انگلستان). نشریه سپهر، دوره بیست و دوم، شماره هشتاد و پنجم، بهار ۹۲ صص ۲۴-۱۸.

- فاضلی، نعمت الله. (۱۳۹۳). پشت دریاها شهری است؛ فرایندها، روش‌ها و کاربردهای مردم نگاری شهری. تهران: انتشارات تیسرا.

- فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۸۶). پایان نظم، بررسی سرمایه اجتماعی و حفظ آن. ترجمه‌ی غلام‌عباس توسلی، تهران: انتشارات حکایت قلم نوین.

- فیلد، جان. (۱۳۹۲). سرمایه اجتماعی. ترجمه‌ی غلامرضا غفاری و حسین رضانی، تهران: انتشارات کویر.

- قاسمی، وحید و نگینی، سمیه. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر بافت محلات بر هویت شهری، با تأکید بر هویت محله‌ای در شهر اصفهان. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال ۲، شماره ۷، زمستان ۱۳۸۹، صص ۱۱۳-۱۳۶.

- گافمن، اروینگ. (۱۳۹۵). نمود خود در زندگی روزمره. ترجمه‌ی مسعود کیان پور، تهران: نشر مرکز.

- گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۴). تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید. ترجمه‌ی ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.

- موفه، شانتال. (۱۳۹۱). درباره امر سیاسی. ترجمه‌ی منصور انصاری، تهران: انتشارات رخ داد نو.

- هاروی، دیوید. (۱۳۷۶). عدالت اجتماعی و شهر. ترجمه‌ی فرخ حسامیان و دیگران، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری (وابسته به شهرداری تهران).

- هال، ادوارد. تی. (۱۳۹۳). بعد پنهان. ترجمه‌ی منوچهر طبیبیان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- Abell, J. (2010). Logos, Ethos, Pathos, and Ecos: Neighborhood Housing Design Research and Development Metropolitan Universities Journal, Ed., Roger Munger, (Indianapolis, Indiana University-Purdue University (IUPUI), Volume 21, Issue 2, 41-57.

- Madanipour, Ali. (2001). How relevant is 'Planning by Neighbourhoods', The Town Planning Review, Vol. 72, No. 2 (Apr., 2001), pp. 171-191.

- Robertson, Douglas James Smyth and Ian McIntosh. (2008). Social Identity, York: Services Ltd.

- Tajfel, Henri. (1978). Differentiation Between Social Group: Studies in the Social Psychology of Intergroup Relation. Academic, London.

- Talen, Emily and Julia Koschinsky. (2013). The Walkable Neighborhood: A Literature Review, International Journal of Sustainable Land Use and Urban Planning, Vol. 1 No. 1, pp. 42-63.